

**کام ایر**  
 بالهای مطمئن

کام ایر بزرگترین شرکت هوایی خصوصی کشور در خدمت شما میباشد

- مهمانداران داخلی و خارجی
- شبکه وسیع پروازهای داخلی و خارجی
- خدمات عالی
- طیارات مدرن

4422 +93799974422  
 (داخلی) (خارجی)

www.kamair.com

helpdesk@kamair.com

/ kamair

صدای مردم

افغانستان

هفته نامه

سال ششم/شماره ۲۴۳/یکشنبه ۱۷ سنبله ۱۳۹۸  
 Sun/ 8 September, 2019/ Vol 06 / No. 243

خبر

ولسوالی «اناردره» ی فراه به دست طالبان سقوط کرد

مسئولان امنیتی در ولایت فراه می گویند که جنگجویان گروه طالبان دیروز (شنبه، ۱۶ سنبله) ولسوالی «اناردره» ی این ولایت را تصرف کرده اند. گروه طالبان نیز تصرف ولسوالی اناردره را تأیید کرده و ادعا کرده است که مقدار زیادی سلاح و مهمات به دست جنگجویان این گروه افتاده است. محب الله محب، سخنگوی فرماندهی پولیس ولایت فراه به روزنامه اطلاعات روز گفته است، که در حال حاضر مرکز ولسوالی اناردره تحت کنترل جنگجویان طالب قرار دارد. آقای محب هم چنان گفته، که نیروهای ارتش و پولیس ملی مستقر در این ولایت همراه با حدود ۴۰۰ نیروی کمکی در تلاش اند تا این ولسوالی را دوباره از نزد طالبان پس بگیرند. نیروهای کمکی آماده ی باز پس گیری ولسوالی اناردره از نزد طالبان اند. این در حالی است که صبح روز جمعه، ۱۵ سنبله) جنگجویان طالب پس از حمله به شهر فراه کنترل مرکز جلب و جذب نیروهای ارتش در این ولایت را تصرف کردند و به دنبال آن در نتیجه ی حملات هوایی نیروهای حمایت قاطع و عملیات زمینی نیروهای افغان بیش از ۸۰ جنگجوی این گروه کشته شدند. جنگجویان گروه طالبان پس از شکست در مرکز شهر فراه، به سوی ولسوالی های اناردره و پشت کوه عقب نشینی کرده بودند.

وزیر دفاع امریکا: در پی توافق سیاسی با طالبان هستیم نه هر نوع معامله

مارک اسپر، وزیر دفاع امریکا به تازگی گفته است، که تلاش های کشورش برای دست یابی به یک توافق سیاسی با طالبان است به این معنی نیست که امریکا به هر نوع معامله با این گروه تن دهد. آقای اسپر دیروز (شنبه، ۱۶ سنبله ۷ سپتامبر) در یک نشست خبری مشترک با همتای فرانسوی اش در پاریس، پایتخت فرانسه گفته است، که به نظر ایالات متحده ی امریکا بهترین راه پیشرو توافق سیاسی است و واشنگتن با حوصله مندی این راه را پی گیری می کند. او گفته است: «می خواهیم مطمئن شویم که به یک توافق مطلوب دست می یابیم. توافقی که دست کم امنیت کشورها و مسیر روشن تری برای مردم افغانستان تضمین کند». زلمی خلیل زاد، نماینده ی ویژه ی وزارت خارجه ی امریکا برای صلح افغانستان در نهمین دور مذاکرات با طالبان توانستند به یک توافق نامه با این گروه دست یابند. آقای خلیل زاد پس از پایان دور نهم مذاکرات به کابل آمد و متن این توافق نامه را به رهبران حکومت وحدت ملی نشان داد. تا کنون جزئیات متن این توافق نامه با رسانه ها شریک نشده است. پس از آن حکومت افغانستان اعلام کرد که جزئیات متن توافق نامه ی امریکا با طالبان را با دقت بررسی می کند. دو روز پس از آن صدیق صدیقی در رشته توییتهای اعلام کرد که حکومت افغانستان از زلمی خلیل زاد در مورد پیامدهای احتمالی این توافق نامه توضیحات می خواهد.

قدم به قدم تا توافق صلح؛ پایان راه ناپیداست



صفحه

ماهیت رأی؛ حق یا تکلیف؟



صفحه

کشتن تن

مرگ اعتنایی نداشتند، بی اعتنایی به مرگ مفهوم تلویحی پوچی زندگی در کنار آنان نیز بود. فیلسوفان رواقی هم زندگی سپنجی انسانها را تحقیر می کردند، از این منظر اندیشه ی آنان با عقاید عارفان مشرقی تلاقی می کردند، که عمر را فناپذیر و مرگ را زندگی جاویدانه می دانستند. دیوید هیوم اما، جنایت خواندن خودکشی را انکار کرد و نیچه با تمام قوت به ویران کردن متافزیک مرگ پرداخت این گونه با «واعظان مرگ» گلاویز شد، با این خطابه که آن ها ناگزیر به خودکشی اند، دفاعیه هایی در اهمیت مفهوم زندگی نوشت. استوار بر این، خود زنی ها در جریان تجلیل از رویداد تاریخی عاشورا می تواند معنای متفاوت زیادی داشته باشد، مگر غیر از افراط مذهبی، مراسم مذهبی بیشتر وسیله ای است، که نوع نگرش غالب انسان شرقی نسبت به زندگی بدان وسیله متبادر می شود. اشتباه است، اگر تمام پلیشتی ها را بر آدرس یک نام گم مثل سیدحجت حواله کنیم و بی جهت از او اسطوره ی شربسازیم، و یا هم با اداهای سقراط وار مردم را به خودپرستی دعوت کنیم. بی اساس تر از همه اما، این است که از حکومت بخواهیم تا این عده ای که تمایل به کشتن تن را دارد، دستگیر کنند. در واقعه ی عاشورا هیچ واقعیتی جز مرگ ویرانگر که اکثر یکی از طرف های ماجرا را به مفاک نیستی می کشاند، وجود ندارد. این نگرش انسان شرقی نسبت به مرگ است، که آن شکست مزمن را پیروزی «خون بر شمشیر» روایت کرده اند. می باید این قرائت شرقی از ستایش مرگ و نکوهش زندگی را ویران کرد، قرائت که فقیه و عارف و فیلسوف مسلمان غالبین با آن هم عنان بوده اند. ویران کردن شالوده های قرائت مذمت بار مفهوم زندگی شجاعت و زمان لازم را می خواهد، بنظر نمی رسد که با چند پیست فیسبوکی و یا خطبه های عوام پسندانه چند نفر فقیه برای جواز و عدم جواز شرعی در رابطه به خودزنی ها در جریان تجلیل از واقعه ی عاشورا، چیزی عوض شود.

جواد اذفر

در نگاه شرقی نسبت به پدیده ی مرگ با یک حصر دو وجهی رویه رو می شویم؛ از یک سو زندگی رنج بار این جهان طرد شده و نگاه انسان به مرگ و ماورای آن است، از سوی دیگر خودکشی را نیز عمل کریمه و زشت دانسته اند. در حالی که نگاه غربی نسبت به پدیده ی مرگ، دچار دگردیسی بوده است. باستانیان نسبت به خودکشی نگاه همراه با تکریم داشتند و آن را نوعی دهن کجی در برابر آتانی می دانستند، که گفتند همه چیز احسن است. سقراط در نفس های آخر عمرش که می خواست جام شوکران را سر کشد، معتقد بود: «روح در زندان تن اسیر است» و کار فیلسوف حقیقی را نه هراسیدن از مرگ می دانست. سه قرن بعد از او سبسون با تابعیت از آرای سقراط تلاش کرد شر مرگ را با برکت اثبات کند و با نقل قول افلاطونی از سقراط گفت: «تمامی زندگی فیلسوفان آماده شدن برای مرگ است». اما فیلسوفان اپیکوری به

پایان بازی؛ مارس - آوریل ۱۹۹۲



صفحه

نگرانی ها از آغاز فصل جدید و تکرار سناریوی سقوط



صفحه



## نگرانی‌ها از آغاز فصل جدید و تکرار سناریوی سقوط

کابل و ولایات افغانستان، خونین‌ترین روزهای عمرشان را سپری می‌کنند؛ روزهای که حتا در جریان سال‌های دهه‌ی نود میلادی، قبل و بعد از آن تکرار نشده بود. براساس گزارش‌ها، تنها در یک‌هفته‌ی اخیر، بیش از هفت‌صد نفر در نتیجه‌ی جنگ‌ها و خشونت‌های جاری در کشور، کشته و زخمی شده‌اند؛ آماري که به‌مفهوم واقعی کلمه تکان‌دهنده و وحشت‌ناک است. از سویی هم، گروه طالبان با گروگان‌گیری رییس دفتر ساحوی حقوق بشر ولایت غور از مسیر شاهراه کابل-بامیان و به رگبار بستن او، به تمامی ارزش‌هایی که زیر عنوان حقوق بشر و مردم‌سالاری جمع می‌شوند، پیام روشنی فرستاد: هیچ ارزشی غیر از اهداف و عقاید بنیادگرایانه‌ی آنان برای اعضای این گروه پذیرفتنی و قابل تحمل نیست.

این در حالی است، که مذاکرات امریکا و طالبان، رفته رفته به گروه طالبان مشروعیت داد و افکار عمومی را نسبت به تلاش‌های آشتی‌جویان و نتایج آن، نگران و ناامید ساخت. این ناامیدی، حکایت تلخی است، که در بستر آن یک‌شبه نام و نشان یک گروه رادیکال، بنیادگرا و تروریستی، در جمع مخالفان سیاسی حکومت جا زده شد و ماهیت جنگی که در گذشته با شعار مبارزه برعلیه تروریسم بین‌المللی برعلیه همین گروه به پیش برده می‌شد، به یک‌بارگی، دگرگون گشت و جنگ داخلی تعبیر شد.

با این اوصاف، سفر اخیر زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی وزارت خارجه‌ی امریکا در امور صلح افغانستان به کابل پس از ختم نهمین دور گفت‌وگوهای صلح میان او و نمایندگان طالبان، سپس دیدارش با رهبران حکومت و اعضای قشر سیاسی و ابزار نظرهای او در پیوند به پروسه‌ی صلح، پیام‌های واضح و آشکاری نسبت آینده‌ی جنگ و وضعیت سیاسی-اجتماعی افغانستان دارد. در متن این پیام‌ها آن‌چه از هرچیز دیگر برجسته و محسوس است، روایت وارونه و دیگرگونه از گروه طالبان است؛ روایتی که در آن طالبان و عمل‌کرد این گروه نه‌تنها تروریستی و خلاف اصول و قوانین بشردوستانه دیده نمی‌شود، بلکه طالبان یک حقیقت سیاسی و اجتماعی در معادله‌ی جنگ و صلح افغانستان پذیرفته شده و رفتار آنان نیز زیر عنوان رخدادهای تنش‌آلود یک‌جنگ داخلی تعبیر شده است. درست در همین جاست، که نگرانی مردم و شهروندان این سرزمین از آینده و اتفاقاتی که قرار است، تحت عنوان بازی «جنگ و صلح» اتفاق بیفتد، بیش‌تر از پیش و جدی‌تر از گذشته شده است. بنابراین، در شرایط کنونی مردم افغانستان با یک وضعیت مبهم و سردرگم دست به‌گریبان‌اند؛ از یک‌سو بازی جنگ و صلح در حال تغییر است و کارگردانان این بازی هم‌روزه پیام‌های امیدوارکننده و امیدبخش به مردم می‌دهند، از جانب دیگر رخدادهای تروریستی، نمایش خون و خشونت، قتل و کشتار، جنایت و وحشت‌آفرینی دمار از روزگار آنان در آورده است. مضاف بر این، تا هنوز محتوا و مفاد توافق‌نامه‌ای که قرار است، میان امریکا و طالبان به‌امضا برسد، افشا نشده و دوطرف به‌مخفی نگه‌داشتن جزئیات این موافقت‌نامه ادامه می‌دهند. شک‌وت‌ریدها از همین‌جا کلید می‌خورد و نگرانی‌ها هم از همین رفتار بیش و بیش‌تر می‌شود. در چنین وضعیتی حداقل توقع این است، که حکومت امریکا و به‌خصوص نماینده‌ی ویژه‌ی این کشور در امور صلح افغانستان، در مورد متن و محتوای «توافق‌نامه‌ی صلح» به مردم این سرزمین توضیح بدهند و بگویند که خطوط سرخ این مذاکرات چه بوده و آینده‌ی سیاسی افغانستان چه‌گونه و تحت چه‌نوع شرایطی به‌مذاکره گرفته شده است.

مردم این سرزمین حق دارند، از جزئیات توافق‌نامه آگاه شوند و بدانند که چه‌زمانی، با کدام هزینه و تضمینی صلح در این سرزمین استقرار می‌یابد. این نگرانی‌ها مشروع و قانونی است و دولت امریکا نباید به‌بهانه‌های واهی و غیرواقعی در معادله/معامله‌ی جنگ و صلح، مردم این سرزمین و نگرانی‌های آنان را نادیده بگیرد.

## قدم به قدم تا توافق صلح؛ پایان راه ناپیداست

محمد نسیم نظری



و پس از تأیید آقای ترامپ میان نمایندگان امریکا و گروه طالبان در یکی از کشورها امضا خواهد شد. با این همه رییس‌جمهور غنی به‌عنوان فرد اول مملکت که در متن بحران‌ها و دو راهی کلان (صلح و انتخابات) گیرمانده است، براساس گزارش برخی منابع معتبر قرار بود/است، طی سفر رسمی به امریکا رفته و با مقامات این کشور در خصوص پروسه‌ی صلح و نگرانی‌های مردم و دولت افغانستان از این پروسه، گفت‌وگو و صحبت نماید؛ اما پس از گذشت چند ساعت، خبر به تعویق افتادن این سفر در صفحات اجتماعی منتشر شد. دلیل به تعویق افتادن سفر رییس‌جمهور به ایالات متحده، هنوز معلوم نیست و ارگ ریاست‌جمهوری نیز در مورد آن موضع‌گیری نکرده است.

اکنون به نظر می‌رسد، که کشتی صلح افغانستان با تأیید رییس‌جمهور امریکا به ساحل خواهد نشست. امضای توافق‌نامه میان امریکا و طالبان می‌تواند سرنوشت انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان و نیز برخی از محاسبات سیاسی این کشور را مختل نماید. در شرایط کنونی تنها حمایت از انتخابات ریاست‌جمهوری به‌عنوان آخرین گزینه می‌تواند سرنوشت سازوکارهای دموکراسی و نیز ارزش‌های چندین‌ساله‌ی مردم افغانستان را که سال‌های طولانی برای آن قربانی داده‌اند، حداقل به لحاظ شکلی حفظ نموده و آینده‌ی نظام مردم‌سالار را تضمین کند.

### اکنون به نظر می‌رسد، که

### کشتی صلح افغانستان با

### تأیید رییس‌جمهور امریکا به

### ساحل خواهد نشست. امضای

### توافق‌نامه میان امریکا و طالبان

### می‌تواند سرنوشت انتخابات

### ریاست‌جمهوری افغانستان و

### نیز برخی از محاسبات سیاسی

### این کشور را مختل نماید. در

### شرایط کنونی تنها حمایت از

### انتخابات ریاست‌جمهوری به‌عنوان

### آخرین گزینه می‌تواند سرنوشت

### سازوکارهای دموکراسی و نیز

### ارزش‌های چندین‌ساله‌ی مردم

### افغانستان را که سال‌های

### طولانی برای آن قربانی داده‌اند،

### حداقل به لحاظ شکلی حفظ نموده

### و آینده‌ی نظام مردم‌سالار را

### تضمین کند.

زمینه برای آغاز گفت‌وگو و نهایی‌سازی پروسه‌ی صلح توسط خلیل‌زاد کلید خورد. خلیل‌زاد اولین بار به‌صورت رسمی در حضور رسانه‌ها و ناظران مطبوعاتی، نشست هماهنگی خویش را با گروه طالبان در قطر آغاز کرد. این تحرک بی‌سابقه‌ی امریکا در قبال صلح افغانستان، شک و تردیدهای بی‌شماری را در داخل و خارج از کشور ایجاد کرد. رییس‌جمهور غنی، با دلپره و اضطراب از آن استقبال کرد و عبد الله عبدالله، رییس‌اجرائیه‌ی حکومت وحدت ملی نیز آن‌را زمینه‌ی مناسب برای ثبات افغانستان خواند. شاید در آن روزها برداشت و ذهنیت عمومی در میان سیاستمداران داخل و خارج از حکومت این بود، که این مذاکرات نمی‌تواند مسیرهای جنگ چندین‌ساله در افغانستان را به راحتی قطع و یا حداقل کاهش دهد. در آن زمان هیچ کارشناس سیاسی و نظامی، پیش‌بینی چنین وضعیت نابسامان کنونی را که اصل نظام زیر سوال بود، نداشت.

با این همه تلاش‌های خلیل‌زاد برای صلح افغانستان با دلپره و نگرانی از سوی مردم و شهروندان افغانستان استقبال شد. این در حالی بود، که خلیل‌زاد توانست پس از ماه‌ها مذاکره (۹ ماه) طالبان را در مورد مسایل کلان افغانستان حداقل در میز مذاکره قانع سازد. اکنون که پس از ۹ دوره‌مذاکره، آقای خلیل‌زاد به کابل آمده است تا رهبران حکومت وحدت ملی و سیاستمداران افغانستان را در جریان جزئیات پیشرفت‌ها و متن نهایی توافق‌نامه با طالبان قرار دهد، پروسه صلح سرخط تمامی اخبار مطبوعاتی در افغانستان قرار گرفته است.

پس از ختم دور نهم مذاکرات، زلمی خلیل‌زاد در پیام تویتری نوشت، که موارد اختلافی میان امریکا و گروه طالبان به حداقل رسیده و دوطرف به نتایج قابل قبولی دست یافته‌اند. آن طرف هم سهیل شاهین، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان در قطر، نیز به تأیید سخنان خلیل‌زاد از پیشرفت در مذاکرات یاد آوردی نموده و مرحله‌ی نهم را پر دست‌آوردترین دور مذاکرات خواند. او تأکید کرد که امیدوار است، این پیشرفت‌ها بتواند پروسه‌ی صلح افغانستان را به مرحله‌ی نهایی برساند. پس از ختم دور نهم، خلیل‌زاد به کابل آمد و در یک مصاحبه‌ی تلویزیونی برخی پیشرفت‌های کلی در این مذاکرات را با مردم افغانستان شریک ساخت. اما آن طرف ماجرا (رییس‌جمهور غنی) که همیشه از جزئیات و پیشرفت‌های پروسه‌ی صلح دور نگهداشته شده و به نوعی نیز نایده گرفته شده است، به نظر می‌رسد چندان دل خوشی از سفر اخیر آقای خلیل‌زاد به کابل ندارد. براساس منابع معتبر و ادعای شخص آقای خلیل‌زاد، متن توافق‌نامه میان امریکا و طالبان با حکومت افغانستان شریک شده اما کاپی آن در اختیار رهبران حکومت قرار داده نشده است. آقای خلیل‌زاد در مصاحبه‌ی تلویزیونی‌اش به صراحت اعلام کرد، که این متن منتظر توافق و تأیید رییس‌جمهور ترامپ بوده

پس از ۹ دور مذاکرات میان نمایندگان امریکا و گروه طالبان در قطر، امیدواری بر این بود، که این مذاکرات بتواند گره کور جنگ و خشونت‌های ویران‌گر را در افغانستان باز نموده و مسیرهای مشترک ملی را هموار سازد. این گفت‌وگوها پس از آن محور توجه افشار سیاسی و مدنی افغانستان قرار گرفت، که زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی خاص وزارت امور خارجه‌ی امریکا در امور صلح افغانستان، به‌صورت مستقیم وارد مذاکره با گروه طالبان در کشورهای مختلف گردید. قبل از آن، هیچ‌توجهی جدی و همگانی نسبت به این روند وجود نداشت. در دوران حکومت حامد کرزی، نیز استفاده‌های ابزاری از این روند ملی صورت می‌گرفت. پس از آن در زمان مبارزات انتخاباتی نامزدان ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۴، نیز اکثر از کاندیدان ریاست‌جمهوری شعار می‌دادند که گفت‌وگوهای صلح افغانستان را با جدیت و قاطعیت تمام پیگیری خواهند نمود.

اما حال و هوای سیاسی آن‌روزها به وضوح نشان می‌داد، که هیچ یک از نامزدان، تصمیم جدی برای حل معضل افغانستان از طریق گفت‌وگو با گروه طالبان را نداشتند. در آن زمان رییس‌جمهور غنی به صفت نامزد پیششار انتخابات ریاست‌جمهوری، بارها در مبارزات انتخاباتی خویش تأکید می‌کرد، که اگر پیروز میدان انتخابات گردد، بحث صلح و مذاکره با طالبان را به‌صورت جدی و اساسی پیگیری و پس از چانه‌زنی با طرف‌های ذی‌دخل، حل خواهد نمود. اما پس از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی، نه تنها رییس‌جمهور غنی به این پروسه‌ی ملی اهتمام نداد، بلکه زمینه‌ها و فرصت‌های کلانی که می‌توانست روزی افغانستان را به ثبات سیاسی برساند را نیز محدود ساخت. پس از ۲ سال و چند ماه از شکل‌گیری حکومت وحدت ملی، رهبری جدید کاخ سفید با مشاوران و اتاق فکر خویش به این نتیجه رسیدند، که باید خودشان دست به کار شوند و منتظر تیم حاکم در ارگ ریاست‌جمهوری کابل نمانند. به دنبال این محاسبه بود، که زلمی خلیل‌زاد، دیپلمات کار کشته‌ی وزارت امور خارجه‌ی امریکا، بنابر فیصله کاخ سفید به حیث نماینده‌ی خاص وزارت امور خارجه در مورد صلح افغانستان گماشته شد. خلیل‌زاد با توجه به شناخت فکری و کاری که با گروه طالبان در ادوار مختلف زندگی سیاسی و شخصی خویش داشت، کار خویش را در این سمت با سفر به کشورهای منطقه عملن آغاز کرد. او پس از سفرهای مکرر توانست نمایندگان گروه طالبان را از زندان‌ها و مراکز امن کشورهای منطقه و جامعه‌ی جهانی روی میز کاری برای گفت‌وگو بکشاند.

این موفقیت بزرگ برای تیم آقای خلیل‌زاد و وزارت خارجه‌ی امریکا تلقی می‌گردد. پس از آزادی شماری از زندانیان طالبان و حضور آنان در میزهای سیاسی،

## ماهیت رأی؛ حق یا تکلیف؟

پوهیالی سیدعلی سادات «صاحبدل» بخش اول



**انتخابات در نفس خود یک پدیده ارزشمند است، مردم از طریق مشارکت در انتخابات که یکی از مظاهر دموکراسی و مردم‌سالاری است، قدرت انتخاب نمایندگی خویش را با رفتن در پای صندوق‌های رای از بلوک‌شدن قدرت و از تمرکز قدرت سیاسی جلوگیری می‌کنند.**



### مقدمه

هم‌زیستی مسالمت‌آمیز یکی از دغدغه‌های مهم نسل بشر، در طول تاریخ به‌شمار می‌رود، که با بالا رفتن دانش بشری و استفاده از تجربیات گذشتگان و دیگر جوامع، دموکراسی به‌عنوان بهترین شیوهی تأمین نظم اجتماعی و هم‌زیستی انسان‌ها، از سوی جوامع مختلف مورد شناسایی قرار گرفت.

در میان حقوق و آزادی‌های مختلفی که در قالب قوانین اساسی و اسناد معتبر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، مفهوم رأی و بهره‌مندی از یک انتخابات آزاد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چرا که با قبول اندیشه‌ی مردم‌سالاری و نقش مردم در اعمال حاکمیت، نظر مردم در شیوهی اعمال حاکمیت از اهمیت بالایی برخوردار می‌گردد.

این مطلب نشان‌دهنده‌ی بلوغ فکری و سیاسی مردم در تعیین سرنوشت خویش است، که با درایت، عقلانیت و مشارکت حداکثری در پای صندوقهای رأی رفته و با انتخاب نمایندگان و زعيم سياسي خویش، نقش اساسی و بنیادین ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، رأی‌دادن، انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن در هر انتخابات، جزء حقوق اساسی و حقوق شهروندی اعضای یک جامعه‌ی دموکراتیک است. اما سوال اساسی این است، که ماهیت رأی چیست؟ رأی‌دادن حق است یا یک تکلیف اجتماعی؟ به عبارت دیگر آیا شهروندان در دادن یا ندادن رأی باید آزاد باشند یا این‌که با در نظر گرفتن ضمانت‌اجراهایی رأی‌دادن برای آنان اجباری گردد؟ در این مقاله سعی می‌شود تا

### قدرت فقط زمانی به‌دست می‌آید،

**که مردم درک درست از وضعیت و شرایط کشور خویش داشته و شناخت دقیق از کاندیدای مورد نظر خویش داشته باشند تا انتخاب نماینده به‌صورت عقلانی و منطقی انجام گرفته باشد.**

**وقتی معیار و اصول انتخابات در دست شهروندان قرار گرفت و مشارکت در انتخابات را یک اصل اساسی برای تعیین زعمای سیاسی در نظر گرفت، فارغ از تعلقات جریان‌های سیاسی، گرایش‌های مذهبی و قومی، استنتاج چنین انتخابات آثار و نتایج عملی برای کشور و مردم توأم با عقلانیت و درک سیاسی در نظام سیاسی خواهد داشت.**

رأی چیست؟ به‌طور کلی، آنچه رأی‌دادن را در انتخابات تعریف کرده است، عمل تشریفاتی و حقوقی را که شهروندان با انجام آن، طبق ضوابط و شرایط قانونی به‌گزینش نماینده یا نمایندگان می‌پردازند، رأی می‌نامند. رأی‌دهنده، ضمن این عمل حقوقی-سیاسی، در حقیقت با برگزیدن نماینده یا نمایندگان، در اداره‌ی امور سیاسی جامعه‌ی خود مشارکت می‌کند. این حق طبیعی همه‌ی شهروندان یک جامعه‌ی آزاد، مستقل، سالم و مبتنی بر آرای مردم و خرد جمعی شهروندان در انتخابات شفاف و دموکراتیک است.

انتخابات در نفس خود یک پدیده ارزشمند است، مردم از طریق مشارکت در انتخابات که یکی از مظاهر دموکراسی و مردم‌سالاری است، قدرت انتخاب نمایندگی خویش را با رفتن در پای صندوق‌های رأی از بلوک‌شدن قدرت و از تمرکز قدرت سیاسی جلوگیری می‌کنند. این قدرت فقط زمانی به‌دست می‌آید، که مردم درک درست از وضعیت و شرایط کشور خویش داشته و شناخت دقیق از کاندیدای مورد نظر خویش داشته باشند تا انتخاب نماینده به‌صورت عقلانی و منطقی انجام گرفته باشد. وقتی معیار و اصول انتخابات در دست شهروندان قرار گرفت و مشارکت در انتخابات را یک اصل اساسی برای تعیین زعمای سیاسی، گرایش‌های مذهبی و قومی، استنتاج چنین انتخابات آثار و نتایج عملی برای کشور و مردم توأم با عقلانیت و درک سیاسی در نظام سیاسی خواهد داشت.

در باب حق یا تکلیف بودن رأی، از همان آغاز پیشرفت دموکراسی یعنی در قرن هجدهم میلادی، دو نظریه و تئوری کاملن متفاوت در برابر هم جبهه گرفتند. برخی، رأی‌دادن را حق افراد می‌دانستند و برخی هم آن‌را یک عمل اجتماعی و یا یک تکلیف از سوی شهروندان تعبیر می‌کردند.

بنابراین دو نظریه: ۱. نظریه‌ی حق رأی و ۲. نظریه‌ی کار ویژه‌ای رأی، به منتهی ظهور رسید؛ که بصورت بسیار فشرده به آن خواهیم پرداخت.

۱- نظریه‌ی حق رأی: این نظریه مبتنی بر نظریه‌ی حاکمیت تقسیم شده بود، که توسط ژان ژاک روسو و شاگردان و هم‌فکرانش دفاع می‌شد. اگر حاکمیت مردم، ماحصل جمع سهام حاکمیت هر شهروند باشد، پس صاحب سهم حاکمیت، یعنی فرد شهروند، حق دارد که در سازمان‌دهی حکومت و صورت‌بندی اقتدار عالی سیاسی هم‌کاری و مشارکت کند. اگر این هم‌کاری و این مشارکت از راه انتخابات تحقق یابد، پس هر شهروند «حق» دارد رأی بدهد. لذا این حق، اصلتن متعلق به هر شهروندی است، که صاحب سهم حاکمیت به‌شمار می‌آید و بنابراین هیچ‌کس و هیچ‌مقامی نباید بتواند این حق را از او بگیرد.

از سوی دیگر، چون رأی‌دادن، حقی است، متعلق به فرد، بنابراین فرد مخیر است از آن استفاده کند یا خیر. به‌کارگیری این حق یا امتناع از آن، خود به‌گونه‌ای حق مشروع هر شهروند به‌شمار می‌آید و استفاده یا عدم استفاده از آن، منوط و مشروط به اراده‌ی شهروند خواهد بود. مطابق نظریه‌ی حق رأی، که از جانب روسو و هم‌فکرانش مطرح و دفاع شد، مشارکت شهروندان در بحث انتخابات که یک امر آزاد و مبتنی بر اراده‌ی آزاد شهروندان یک جامعه برای تعیین سرنوشت خویش در انتخابات مشارکت می‌کند و نماینده یا نمایندگان خویش را برای تصدی امور سیاسی و حکومتی انتخاب می‌کند، سازگاری دارد و حق طبیعی و مشروع همه‌ی شهروندان است. در نظام سیاسی افغانستان، انتخابات آزاد و شفاف که مطابق قانون اساسی و قانون انتخابات است، بحث رأی‌دادن، انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن، حق هر شهروند افغانستانی که تابعیت کشور افغانستان را داشته باشد، است. ضمن در زمینه استفاده یا عدم استفاده از آن، هیچ الزام قانونی وجود ندارد.

بنابراین، مشارکت سیاسی به‌طور مطلق در انتخابات، حق همه‌ی شهروندان افغانستان است، که با درایت و عقلانیت سیاسی، نماینده یا نمایندگان شایسته، متعهد، مقتدر و متخصص آگاه به مسایل را در امورات سیاسی و حکومتی انتخاب نمایند، زیرا حاکمیت ملی و سیاسی از آن همه‌ی شهروندان است و انتخابات یکی از مصادیق دموکراسی و حاکمیت مردم است.

به پرسش‌های فوق، پاسخ قناعت‌بخش ارائه گردد.

**کلید واژه:** رأی، انتخاب‌کردن، حق، تکلیف، حقوق اساسی، نمایندگان، رأی مستقیم، زعيم سياسي.

**ماهیت رأی:** عارضه‌ی این‌که همواره در جامعه‌ی سیاسی انتخابات (از هر نوع آن که باشد)، برگزار و ما نیز منجبت رأی‌دهندگان جهت استعمال رأی خود اشتراک می‌نماییم. اما آیا تا به‌حال به این مسئله فکر کرده‌ایم، که استعمال رأی، برای شهروندان حق است یا تکلیف؟ ابتدائاً لازم است، میان دو امر تفکیک قابل شوم: نخست اشتراک در انتخابات و دوم رأی‌دادن. واضح است، که شرکت در انتخابات الزام به معنی رأی‌دادن به کاندیدای خاصی نیست، چرا که ممکن است شخصی در انتخابات شرکت کند اما رأی او سفید باشد. آن‌چه که مدنظر است کدام است؟ شرکت در انتخابات یا رأی‌دادن؟

اصولن صرف شرکت در انتخابات تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز نیست، بلکه آن‌چه که در یک نظام سالم انتخاباتی تعیین‌کننده است، رأی‌دادن آگاهانه است. از سوی دیگر، رأی‌دادن مستلزم شرکت در انتخابات است، بنابراین این‌که رأی‌دادن حق است یا تکلیف، از شرکت در انتخابات آغاز می‌شود. پس آیا می‌توان گفت حق یا تکلیف رأی‌دادن منطبق بر حق یا تکلیف شرکت در انتخابات است؟ با کمی دقت مشخص می‌شود، که این انطباق همیشه وجود ندارد، اما به‌علت جلوگیری از طول شدن مقاله، از تفاوت صرف نظر کرده و شرکت در انتخابات و رأی‌دادن را یک امر، فرض می‌نماییم. حال می‌پردازیم به ماهیت رأی، بدین ملحوظ نیاز است تا تعریفی از انتخابات و رأی داشته باشیم.

**انتخابات چیست؟** انتخابات، مجموعه عملیاتی است، که در جهت گزینش فرمان‌روایان یا تعیین ناظرانی برای مهارکردن قدرت، تدبیر شده است. از این دیدگاه، انتخابات به معنای فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان و زعمای سیاسی است. ابزاری است، که به وسیله‌ی آن می‌توان اراده‌ی شهروندان را در شکلگیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد.



## «پایان بازی؛ مارس - آوریل ۱۹۹۲»

«در آخرین روزهای سال ۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۲)، کابل پر از اضطراب و دلهره بود. مجاهدین پس از چهارده سال مقاومت در آستانه‌ی پیروزی نهایی قرار داشتند. سقوط شهر مزار شریف به دست نیروهای ائتلاف میلیشیاها و فرماندهان پیشین دولت و گروه‌های مجاهدین از پایان دولت دکتر نجیب‌الله خبر می‌داد. پس از تصرف شهر مزار شریف، فرماندهان نیروهای مخالف دولت در شمال به تاریخ هشتم ماه اپریل (آوریل) ۱۹۹۲ شورای مشترک نظامی را برای اداره‌ی این مناطق به وجود آوردند. ژنرال عبدالرشید دوستم می‌گوید، همه‌ی فرماندهان او را به ریاست این شورا انتخاب کردند:

تمام قوماندان‌های شمال را جمع کردیم، جلسه کردیم، ما گفتیم قوماندان‌ها! حالا مزار فتح شد، سمنگان فتح شد، فاریاب فتح شد، سرپل فتح شد، جوزجان فتح شد، مزار شریف هم فتح شد، همگی از هر تنظیم بودند، حالا چه می‌کنید؟ پلان بعدی چیست؟ در مزار باقی می‌مانیم یا ما به خیر برویم به کمک مردم کابل و دیگر با این بی‌نظمی وضع شهر مزار خراب می‌شود. در هرکوجه یک حزب، یک قوت است. باید به خاطر سوق و اداره‌ی (سازمان‌دهی) قوت‌ها یک‌کسی تعیین شود، که این را اداره بکند، هرکسی را که شما تعیین می‌کنید. در آن‌جا بیشتر از صد نفر قوماندان بود و آن‌جا هم از یک‌تعدادی برادران و قوماندان‌ها لیست گرفته شد و در آن‌جا همگی مرا رییس شورای نظامی صفحات شمال و هم رییس شورای نظامی ولایت بلخ تعیین کردند. هم‌زمان با تصرف شهر مزار شریف، عبدالرشید دوستم، احمدشاه مسعود و عبدالعلی مزاری همراه با شماری از فرماندهان متحد خود در شهر جبل‌السراج در شمال کابل گرد آمده، اساس اتحادی را گذاشتند که بعدن به ائتلاف شمال شهرت یافت. در این دیدار به گفته‌ی ژنرال عبدالرشید دوستم برنامه‌ی حمله به کابل مورد توافق قرار گرفت و ریاست ائتلاف به احمدشاه مسعود سپرده شد:

آن‌جا که رفتیم، سالنگ جنوبی سقوط کرده بود. شب ما در آن‌جا رسیدیم. شب رفتیم جبل‌السراج، همراه مسعود. سه تا چهار روز در آن‌جا نشستیم، جلسه کردیم. تمام قوماندان‌های شمال بودند و او هم قوماندان‌های خود را از هر استقامت خواسته بود. آن‌جا در آن نشست فیصله کردیم، که به کابل چطور برویم، طرح و پلان ما چه باشد؟ آن‌جا در آن نشست همگی ما بودیم، همین شورا، شورای عالی جهادی افغانستان نام‌گذاری شد و البته ما پیشنهاد کردیم، همگی نظرشان همین شد، که احمدشاه مسعود به عنوان رییس شورای جهادی افغانستان تعیین شود، مزاری صاحب به عنوان معاون در بخش اداری تعیین شود و در بخش نظامی هم من باشم.

پس از دیدار احمدشاه مسعود، عبدالعلی مزاری، و ژنرال دوستم در جبل‌السراج، آن‌ها بسیج نیروهای خود را برای تصرف کابل آغاز کردند. حدود هفت‌صد تن از افراد ژنرال دوستم اولین گروهی بود، که وارد کابل شد: هفده‌هزار نفر را جمع کردیم. شب اول ما توانستیم هفت‌صد الی هشت‌صد نفر را در میدان‌هواپی کابل پیاده کنیم. پروگرام کار ما همین‌طور بود، که خود ما برویم در تپه‌های خواجه‌رواش، همین شب قطعات کابل را ببینیم. در اثانی که من در طیاره بالا شده بودم، آمر صاحب مسعود بی‌سیم آمد، که پرسنل بیاید خوب است، اما خودت ژنرال دوستم به خاطر ترتیب و تنظیم کارهای شمال باشی و آن‌جا به اصطلاح دیگر رقم برداشت نشود، البته رهبران در همان وقت یک شورا در اسلام‌آباد داشتند. مسعود آن‌طرف تماس داشت، نمی‌دانم چطور، عصر روز بود. بعد فیصله به همین شد، که یک‌دفعه قطعات برود، من از رفتن صرف‌نظر کردم.

در همین حال نیروهای شورای نظار تحت رهبری احمدشاه مسعود به سوی پایتخت حرکت کرده و در پانزدهم اپریل (آوریل) با هم‌کاری بخشی از نیروهای دولتی کنترل پایگاه هوایی بگرام را به دست گرفتند، اما داخل شهر نشدند. فرمانده احمدشاه مسعود می‌گوید، نیروهای او به این دلیل نخواستند وارد شهر کابل شوند تا سقوط کابل نه از طریق جنگ بلکه از طریق مفاهمه با شرکت همه فرماندهان و رهبران تنظیم‌ها صورت گیرد.»

منبع: طنین، ظاهر، افغانستان در قرن بیستم، صص ۳۶۹-۳۷۲

## اصول محاکمه‌ی عادلانه در پرتو قوانین داخلی افغانستان

پوهیالی مهدی کاظمی / بخش دوم و پیاپی

گفتار دوم: اصل قانونیت جرایم و جزا

اصل فوق یکی از اصول عمده است، که در تمام کشورها قبول گردیده و بر مبنای این اصل می‌توان گفت که کدام عمل جرم و چه نوع مجازات برای آن وضع گردیده است. اصل فوق‌الذکر الهام‌بخش از دین اسلام بوده، که در قوانین وضعی جای گرفته است. چنانچه در سوره‌ی «الاسراء، آیه ۱۵» به آن اشاره شده است: ما هیچ قومی را عذاب نخواهیم کرد، تا آن زمان که پیامبری را مبعوث نماییم.

مطابق این اصل جرایم و مجازات آن قبل از ذریعه‌ی قانون که حین ارتکاب جرم نافذ باشد، تعیین می‌گردد و اصل مذکور یکی از شروط حاکمیت قانون در دولت به شمار می‌رود. چنانچه در فقره‌ی ۱ و ۳ ماده‌ی ۲۷ قانون اساسی و فقره‌ی ۱ و ۲ ماده‌ی ۷ کود جزا صریحاً به جرایم و جزا اشاره شده است. هم‌چنان در ماده‌ی ۲۶ قانون اساسی آمده است: جرم یک عمل شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سربایت نمی‌کند.

بنابراین مرجع و نهاد عدلی و قضایی حق ندارد تا بر رفتاری که ارتکاب یا امتناع از آن را قانون منع و بر آن جزایی تعیین نکرده باشد، مورد مجازات قرار دهند. زیرا در صورتی که قانون‌گذار نخواسته تا ارتکاب یا امتناع از رفتاری را جرم بداند، دلیل آن این است، که رفتار مذکور نظم عمومی را نقض نمی‌نماید. (علامه، ص ۲۳، ۱۳۹۳)

گفتار سوم: اصل براءت‌الذمه (فرض بی‌گناهی)

فرض بی‌گناهی اصل دیگری معیار یک محاکمه‌ی عادلانه است. اصل براءت‌الذمه را می‌توان میراث مشترک حقوقی همه ملل جهان محسوب کرد. این اصل در تمام پروسه‌ی جزایی حاکم است. مخالفت با این اصل مخالفت با قانون دانسته می‌شود. اصل فوق‌الذکر در تمام مراحل محاکمه مد نظر گرفته می‌شود. اصل براءت‌الذمه خواهان جلوگیری از پیش‌دوری‌های پولیس، سارنوالی و محکمه در یک قضیه می‌باشد. این بدین معنا است، که مقامات عدلی و قضایی نباید تقصیر و یا بی‌گناهی شخص متهم را قبل از نتیجه‌ی محاکمه اعلان نمایند. چنانچه در ماده‌ی ۲۵ قانون اساسی، ماده‌ی ۵ کود جزا و ماده‌ی ۵ قانون اجراءات جزایی آمده است: «همه‌ی انسان‌ها تا مادامی که مجرمیت آنان از طرف محاکم به طور قطع و یقین ثابت نگردیده، بی‌گناه محسوب می‌شوند و نتیجتاً از هرگونه تعرض مصون است».

گفتار چهارم: حق سکوت

اصول و معیارهای دیگری که یک مظنون و متهم در یک محاکمه‌ی عادلانه از آن برخوردار است و باید به آن توجه صورت گیرد، عبارت از حق سکوت است و حق سکوت یکی از حقوق اساسی متهم در هنگام حضور در مرحله‌ی تحقیقات است. مطابق ماده‌ی ۱۵۰ قانون اجراءات جزایی، متهم حق دارد تا در برابر سوالات ارائه‌شده از طرف مرجع عدلی و قضایی از دادن پاسخ امتناع ورزد. در این صورت مراجع عدلی و قضایی حق ندارد، که متهم را مجبور به ارائه‌ی پاسخ نماید. آن‌ها وظیفه دارند تا موضوع را ثبت محضر نمایند.

اما قانون اساسی صریحاً از حق سکوت بیان نکرده اما در ماده‌ی ۳۰ آن آمده است: اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخصی دیگری به وسیله‌ی اکراه به دست آورده شده باشد، اعتبار ندارد. ولی قانون اجراءات جزایی حق سکوت را در ماده‌ی ۷ فقره‌ی ۷ صریحاً بیان نموده است. (فضایی، ص ۳۵، ۱۳۸۹)

گفتار پنجم: داشتن وکیل مدافع

مجموعه تضمین‌هایی که به‌منظور عادلانه‌کردن محاکمه به‌کار گرفته می‌شوند، باید با معیارهای حقوق بشری محک زده شوند. حقوق بشر نه فقط ملاک اصلی ارزیابی محاکمات است، بلکه تبلور عینی اجرای عدالت در محاکمه‌ی عادلانه می‌باشد.

اهمیت این موضوع به مرتبه‌ای است، که توجه ویژه‌ی علمای حقوق را به خود جلب کرده، به گونه‌ای که در نظام داخلی، صرف به شناسایی و اعلام اصل کلی محاکمه‌ی عادلانه به عنوان یکی از حقوق اساسی اکتفا نشده، بلکه به تفصیل و معیارها و تضمین‌های آن سخن رفته است.

گرفتن وکیل مدافع اظهار نماید، مطابق احکام قانون و مقرره‌ی مربوط به اداره‌ی مساعدت‌های حقوقی معرفی می‌گردد. عدم وکیل مدافع یا امتناع از گرفتن آن در جرم جنحه نباید مانع اجراءات تحقیق و ضیاع دلایل گردد.

در جرم جنایت، سارنوال مکلف است، یک نفر وکیل مدافع را به مصرف متهم برای وی تعیین نماید. در صورتی که بی‌رضاعتی وی ثابت گردد، مطابق به احکام مقرره‌ی مربوطه از طرف اداره‌ی مساعدت‌های حقوقی برای وی وکیل مدافع یا مساعدت حقوقی تعیین می‌گردد. (صالحی، ص ۴۲-۴۳، ۱۳۹۴)

اصل دیگر در یک محاکمه‌ی عادلانه عبارت از داشتن ترجمان می‌باشد، که در ماده‌ی ۱۳۵ قانون اساسی، ۱۱ قانون اجراءات جزایی ذکر شده است و همین‌طور اصول دیگری که در یک محاکمه‌ی عادلانه مد نظر گرفته شود؛ اصل عدم شکنجه، اصل کرامت انسانی و اصل آزادی از توقیف خودسرانه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

حق بهره‌مندی از محاکمه‌ی عادلانه یکی از حقوق بنیادی بشر است. با رعایت این حق می‌توان از افراد در برابر محروم‌شدن خودسرانه‌ی آنان از حقوق اساسی خود از جمله حق حیات، آزادی و امنیت شخصی حمایت نموده و برخورداری از سایر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان را تضمین نمود. مجموعه تضمین‌هایی که به‌منظور عادلانه‌کردن محاکمه به‌کار گرفته می‌شوند، باید با معیارهای حقوق بشری محک زده شوند. حقوق بشر نه فقط ملاک اصلی ارزیابی محاکمات است، بلکه تبلور عینی اجرای عدالت در محاکمه‌ی عادلانه می‌باشد.

اهمیت این موضوع به مرتبه‌ای است، که توجه ویژه‌ی علمای حقوق را به خود جلب کرده، به گونه‌ای که

در ماده‌ی ۱۵۲ قانون اجراءات جزایی، سارنوال قبل از آغاز تحقیق از متهم می‌خواهد، که وکیل مدافع با خود داشته باشد. هرگاه متهم از گرفتن وکیل مدافع امتناع ورزد، موضوع درج محضر و امضای وی اخذ می‌گردد. در صورتی که متهم عدم توانایی مالی خود را برای گرفتن وکیل مدافع اظهار نماید، مطابق احکام قانون و مقرره‌ی مربوط به اداره‌ی مساعدت‌های حقوقی معرفی می‌گردد. عدم وکیل مدافع یا امتناع از گرفتن آن در جرم جنحه نباید مانع اجراءات تحقیق و ضیاع دلایل گردد.

در نظام داخلی، صرف به شناسایی و اعلام اصل کلی محاکمه‌ی عادلانه به عنوان یکی از حقوق اساسی اکتفا نشده، بلکه به تفصیل و معیارها و تضمین‌های آن سخن رفته است.

همان‌گونه که اسناد داخلی افغانستان به بررسی گرفته شد، حاوی چنین معیارها و تضمین‌هایی است، که دولت افغانستان را به تعیی و رعایت آن متعهد می‌سازد.

منابع

- ۱- علامه، غلام‌حیدر، حقوق جزای عمومی افغانستان، انتشارات دانشگاه ابن سینا، بهار ۱۳۹۳
- ۲- صالحی، پوهنمل محمد شفیع، اصول محاکمات جزایی، چاپ اول، کابل، انتشارات مستقبل، ۱۳۹۴
- ۳- رحیمی، نژاد، اسمعیل، کرامت انسانی در حقوق کیفری، نشر میزان، زمستان ۱۳۸۷
- ۴- رسولی، محمد اشرف، محاکمه‌ی عادلانه، انتشارات سعید، بهار ۱۳۹۳
- ۵- فخار طوسی، محمد جواد، حقوق متهمان، پژوهش‌گاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۱
- ۶- فضایی، مصطفی، دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین‌المللی، چاپ دوم، شهر دانش، تهران، ۱۳۸۹
- ۷- ایثار، خالد، محاکمه‌ی عادلانه در پرتو حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۹۵
- ۱- قانون اساسی افغانستان، ناشر وزارت عدلیه، ۱۳۸۲
- ۲- کود جزای افغانستان، ناشر وزارت عدلیه، ۱۳۹۶
- ۳- قانون اجراءات جزایی افغانستان، ناشر وزارت عدلیه، ۱۳۹۳
- ۴- قانون تشکیل و صلاحیت محاکم افغانستان، ناشر وزارت عدلیه، ۱۳۸۶

